

نقش سیاست های اقتصادی بانکها در تشدید فاصله طبقاتی در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۶ در ایران

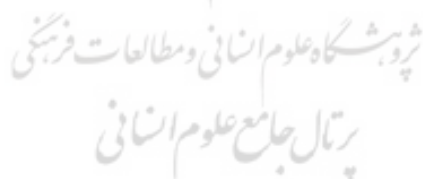
غلامعلی فرهادی بالاشهری^۱ - علیرضا خدای^۲ - مجیدرضا کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

چکیده:

هدف تحقیق حاضر نقش سیاست های اقتصادی بانکها در تشدید فاصله طبقاتی در ایران بوده است. این پژوهش از نوع مطالعه کتابخانه ای و تحلیلی علی و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی می باشد. داده های آماری، بر اساس آمار موجود در آمارنامه های بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی به صورت هدفمند به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جهت برآورد مدل، از روش خودرگرسیون برداری استفاده شده است. نتایج نشان داد که به سیاست های دولتها بر روند افزایش شکاف طبقاتی تاثیر گذار بوده که دلیل اصلی آن عدم همخوانی نرخ تورم با افزایش درآمدها بوده که با افزایش نرخ بیکاری نیز دستمزدها کاهش یافته است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که اعمال سیاست های تعیین مالیات های مستقیم، غیر مستقیم بر طبقه ثروتمند تاثیر چندانی بر کاهش شکاف طبقاتی نداشته است.

واژگان کلیدی: سیاست های اقتصادی، شکاف طبقاتی، دولتها، ضریب جینی



^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس ایران

GH.alifarhadi58@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران: نویسنده مسئول

alirezakhoddamy@yahoo.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران: majidrezakarim@gmail.com

۱- مقدمه

مطالعات اقتصادی روشمند و شواهد آماری نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در سالهای پس از انقلاب، به طور مرتب، با شوک‌هایی مواجه بوده که هم سرشتی درونی و هم ماهیتی بیرونی داشته است، به گونه‌ای که سیاست‌های اقتصادی اجرا شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان در چارچوب برنامه‌های توسعه کشور ارزیابی نمود. در دوره اول انقلاب، دهه بی برنامه بودن و روزمرگی در اغلب سیاست‌های اقتصادی و مواجه با بحران‌ها و تنش‌های داخلی و خارجی ناشی از تغییر رژیم، عدم تثبیت دولت، جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی بود. در این بین، متوسط نرخ تورم در دهه ۶۰ حدود ۱۸,۱ درصد بوده است که در دهه ۷۰ این رقم به ۲۴,۴ درصد افزایش یافت و متوسط نرخ تورم در دهه ۸۰ به ۱۴,۷ درصد رسید. همچنین نرخ تورم در سه سال نخست دهه ۹۰ یعنی سال ۹۰ تا ۱۳۹۳ حدود ۲۸,۹ درصد و به طور کلی متوسط نرخ تورم در کل دوره یعنی از زمان پیروزی انقلاب تاکنون ۲۳,۵ درصد بوده است.^۱ مجموعه عواملی همچون تورم، بیکاری، رشد بی رویه نقدینگی بانکها و... امکان اجرای برنامه‌های مؤثر جهت توسعه کشور را سلب نمود. نقش فراگیر و متورم دولت در عرصه اقتصاد، ناکارایی مدیریتی و اتلاف شدید منابع اقتصادی، رشد بی رویه جمعیت و برنامه‌های تشویقی و حمایتی دولت از افزایش باروری، گسترش برنامه‌های حمایتی دولت در قالب یارانه، پرداخت-های انتقالی و نظام قیمت‌گذاری، تثبیت نرخ ارز، فرار سرمایه، مشخصه‌های بارز دهه اول انقلاب بود. در جریان برنامه دوم توسعه، برنامه دیگری تحت عنوان «طرح ساماندهی اقتصادی کشور» در راستای حذف و یا تعدیل پدیده‌هایی چون بیکاری، تورم، کاهش قدرت خرید و فقر گسترده، ساختار ناسالم بودجه، اتکاء درآمد ارزی به نفت، انحصارات و قوانین بازدارنده و... از سوی دولت تدوین و اجرا گردید و در راستای نیل به این اهداف، سیاست‌هایی چون تقدم عدالت اجتماعی، اصلاح ساختار مالیاتی، پرداخت یارانه، خصوصی سازی، ایجاد اشتغال، نظام تعیین قیمت کالاها، توسعه صادرات غیر نفتی و... پیشنهاد شد. نگاهی گذرا به این اهداف و نیز واقعیت‌های جامعه و اقتصاد کشور نشان می‌دهد که این سیاست‌ها در اکثر موارد در تناقض با یکدیگر است و این مسئله مانع دستیابی به اهداف این سیاست‌ها و بروز مشکلاتی خواهد شد. در واقع شوک-های اقتصادی که هم سرشتی درونی و هم ماهیتی بیرونی داشته و در سطح کلان اقتصادی با ایجاد عدم تعادل، به صورت پدیده‌های نامطلوبی بر جامعه سرشکن شده و نارسایی‌ها و ناملیمات

^۱ - گزارش تورم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۸

اجتماعی خاصی را دامن زده است موجب شده تا هزینه‌های این نارسایی‌ها و عدم تعادل‌ها، بعضاً از طریق مکانیسم‌هایی مستقیم و یا غیر مستقیم، بر نهاد خانواده تحمیل می‌شوند. با توجه به مطالب پیش گفته لازم است تا به بررسی تاثیر سیاست‌های اقتصادی بانک‌ها بر تشدید فاصله طبقاتی پرداخته شود تا با توجه به نتایج بدست آمده از سیاست‌های دولت‌های مورد بررسی بتوان راهکار-های اجرایی جهت کاهش فاصله طبقاتی ارائه گردد تا از تکرار سیاست‌های اشتباه جلوگیری به عمل آورد تا هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سیاست‌های نادرست گریبان‌گیر دولت و مردم نشوند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- سیاست اقتصادی

سیاست اقتصادی عبارت از هر نوع اقدام عمومی است که به منظور تغییر دادن وضعیت اقتصادی یک کشور، از طریق استفاده از یک یا چندین وسیله اقتصادی به مقصد رسیدن به یک یا چند هدف اقتصادی، از طرف دولت یا هر ارگان ذیصلاح دیگر (سیاست ساز) به عمل می‌آید. طراحان سیاست‌های اقتصادی، اشخاص، موسسات یا سازمان‌هایی هستند که اولویت-ها را تشخیص داده و راه‌های تحقق آنها را پیشنهاد می‌نمایند. (عرب مازار، ۱۳۹۴: ۱۲) آنچه که ساز و کارهای سیاسی و به طور خاص سیاست اقتصادی یک کشور را تعیین می‌کند، جریان-های فکری و اندیشه ورزی در بستر حیاتی آن جامعه است. بنابراین هر چقدر جامعه‌ای به لحاظ ساختارهای فکری پویاتر باشد، برآیندهای عملی و اجرایی کارآمدتری را می‌توان از آن انتظار داشت. در نگاهی گذرا به تاریخ اقتصاد در چهار سده اخیر در کشورهای توسعه یافته، جریان‌های فکری متفاوتی را می‌توان یافت که با یکدیگر در رقابت بوده، در برهه‌های مختلف زمانی از دیگری پیشی گرفته‌اند. به طور کلی همه این مکاتب در پی پاسخگویی به چند سوال اعتقادی مشترک بوده‌اند، که پاسخ آنها متمایز کننده جریان فکری آنها بوده است. سوال‌ها از این قرار است که ارزش چگونه به وجود می‌آید؛ چگونه منتقل یا مبادله می‌شود؛ چگونه توزیع می‌شود و چگونه به کسی تعلق می‌گیرد؟ و چه کسانی شایسته کسب آن هستند؟ در کلامی دیگر مکتب را می‌توان راه و رسمی دانست، که پیروان آن، برای رسیدن به کمال باید آن را پیموده و رعایت کنند و مکتب اقتصادی قواعدی اساسی است که با عدالت اجتماعی ارتباط دارد و وظیفه آن، ارائه راه‌حلی است که با مفهوم عدالت‌خواهی سازگار است. (محمدی، ۱۳۹۸: ۵۴)

این شیوه، متکی بر اصول، عقاید، اهداف و انگیزه‌ها، قوانین و مقررات است. مکتب اقتصادی

دانش تجربی نیست و به توضیح و تفسیر مشکلات اقتصادی نمی‌پردازد؛ بلکه مکتب، جهت دهنده به علم است و با ارائه انگیزه‌ها، آرمان‌ها، قوانین، مقررات و بایدها و نبایدها، آن علم را هدایت می‌کند. تجلّی عینی و نمود خارجی مکتب، نظام اقتصادی است که رسالت آن، اجرای اهداف مکتب است. به عبارت دیگر، تنظیم و هدایت فعالیت‌های اقتصادی و تقسیم آن میان افراد، بر طبق رهنمودهای مکتب، هنری است که نظام اقتصادی آن را بر عهده دارد. پاسخ عملی به این پرسش‌ها که اساس اقتصاد یک ملت است نتایج متعددی را به بار آورده است. نکته قابل توجه درستی مطلق این پاسخ‌ها نیست بلکه تبعیت احزاب حاکم از یک نظام اقتصادی و حمایت همگانی اقشار جامعه از آن است. اما در آن روی سکه، اقتصاد سیاسی را می‌توان به یک اقتصاد سیاست زده تعبیر کرد که سیاست در ریشه‌های آن نفوذ کرده و اکثریت اجزاء بدنه اقتصادی را تحت تاثیر دائم رویدادهای سیاسی کشور در حوزه داخلی و جهانی قرار می‌دهد. البته شایان ذکر است، تغییرات جزئی غیر مخرب به سبب روی دادهای سیاسی مهم در یک کشور که قابل پیش بینی است با ناپایداری و نابسامانی اقتصاد کلان کشور در اثر سیاست زدگی، تفاوت فاحشی دارد. در کشور ایران کاهش تولید ملی و رشد اقتصادی در سایه مجادلات سیاسی در منطقه و جهان خبر از وجود یک اقتصاد ناپایدار در کشور می‌دهد. از عوارض این بیماری اقتصادی، می‌توان به عدم وجود اطمینان و اعتماد برای سرمایه‌گذاری مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی یاد کرد. خروج سرمایه‌های فردی از چرخه اقتصادی کشور منجر به تبدیل آن به سرمایه-های منفعلی چون طلا، ملک و ارز منجر می‌شود که افت و رکود را به دنبال خواهند داشت. (نوری، ۱۳۹۸: ۱۲۹)

۲-۲- ابزارهای سیاست اقتصادی

در اجرای سیاست پولی، بانک مرکزی می‌تواند مستقیماً از قدرت تنظیم‌کنندگی خود استفاده نموده و یا به طور غیرمستقیم از اثرگذاری بر روی شرایط بازار پول به عنوان انتشار دهنده پول پر قدرت (اسکناس و مسکوک در جریان و سپرده‌های نزد بانک مرکزی) استفاده نماید. بر همین اساس دو نوع ابزار سیاست پولی قابل تفکیک می‌باشد که ابزارهای مستقیم (عدم اتکا بر شرایط بازار) و غیرمستقیم (مبتنی بر شرایط بازار) سیاست پولی نامیده می‌شوند. (حیدری، ۱۳۹۸: ۲۱)

ابزارهای سیاست پولی در ایران بر مبنای تفکیک مذکور به شرح ذیل می‌باشد.

۱- کنترل نرخ‌های سود بانکی

در کشور ما با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و معرفی عقود با بازدهی ثابت و مشارکتی،

ضوابط تعیین سود و یا نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانکها و حداقل و حداکثر سود و یا بازده مورد انتظار بر طبق ماده (۲) آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بر عهده شورای پول و اعتبار می‌باشد. (نوری، ۱۳۹۸: ۵۴) همچنین بر طبق ماده (۳) آیین‌نامه فصل چهارم قانون مذکور بانک مرکزی می‌تواند در تعیین حداقل نرخ سود (بازده) احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و نیز تعیین حداقل و یا عنداللزوم حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمالی برای سایر انواع تسهیلات اعطایی بانکی دخالت نماید. (جلالی، ۱۳۹۸: ۲۱)

۲- سقف اعتباری

این نوع ابزارهای پولی با ایجاد محدودیت‌های اعتباری و اعطای اعتبارات مستقیم به همراه منظور کردن اولویت در امر اعطای اعتبارات بانکی در مورد بخش‌های خاص اقتصادی عملاً اقدام به جهت‌دهی اعتبارات به سمت بخش‌های مورد نظر می‌نماید. براساس ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی می‌تواند در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت‌هایی داشته باشد که از جمله مفاد آن محدود کردن بانکها، تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌ها و تعیین حداکثر مجموع وامها و اعتبارات در رشته‌های مختلف است. (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۱)

۳- نسبت سپرده قانونی

نسبت سپرده قانونی از جمله ابزارهای سیاست پولی بانک مرکزی می‌باشد. بانکها موظفند همواره نسبتی از بدهی‌های ایجاد شده و بطور اخص سپرده‌های اشخاص نزد خود را در بانک مرکزی نگهداری کنند. بانک مرکزی از طریق افزایش نسبت سپرده قانونی حجم تسهیلات اعطایی بانکها را منقبض و از طریق کاهش آن، اعتبارات بانکها را منبسط می‌نماید. (بهرامی، ۱۳۹۸: ۹۱) بر طبق ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی نسبت سپرده قانونی از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود و بانک مرکزی ممکن است برحسب ترکیب و نوع فعالیت بانکها نسبت‌های متفاوتی برای آن تعیین نماید.

۴- اوراق مشارکت بانک مرکزی

اجرای بهینه سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی، توسط ابزار اصلی و محوری عملیات بازار باز صورت می‌گیرد که به بانکها انعطاف لازم را در مدیریت نقدینگی و مداخله در بازار پولی اعطاء می‌نمایند. به منظور توسعه و بسط عملیات بازار باز و اجرای سیاست‌های پولی از حیث مدیریت نقدینگی و تاثیر بر بازار پول و سرمایه، یافتن بدیل‌های مناسب در قالب موازین شرع مقدس اسلام بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید.

اوراق قرضه به جهت مبتنی بودن بر بهره، اصولاً در اسلام پذیرفته شده نیست. لیکن اوراق مشارکت و سهام نمودن سرمایه‌گذاران در فعالیت‌های اقتصادی و پرداخت سودهای واقعی نه تنها با مانع مواجه نیست بلکه مورد تشویق نیز می‌باشد. (حیدری، ۱۳۹۷: ۱۳)

برای اولین بار، براساس ماده ۹۱ قانون برنامه سوم به بانک مرکزی اجازه داده شد که با تصویب شورای پول و اعتبار، از اوراق مشارکت بانک مرکزی استفاده نماید. شایان ذکر است که براساس برنامه چهارم توسعه، انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز خواهد بود.

انتشار و عرضه اوراق مشارکت بانک مرکزی از جمله ابزارهای سیاست انقباضی و اجرای عملیات بازار باز می‌باشد؛ بطوری که با عرضه این اوراق از حجم نقدینگی کاسته شده و وجوه این اوراق نزد بانک مرکزی مسدود می‌گردد. در بخش پایه پولی نیز انتشار این اوراق موجب افزایش جزء بدهی‌های بانک مرکزی و کاهش پایه پولی خواهد شد. لذا در مجموع انتشار اوراق موجبات کاهش رشد نقدینگی را فراهم می‌سازد. در واقع سیاستگذار پولی را قادر می‌نماید تا در مواقع لزوم از طریق کنترل نقدینگی، دستیابی به نرخ تورم پایین را میسر سازد. (غلامی، ۱۳۹۸: ۷۱)

۵- سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی

یکی از مهمترین اقداماتی که در جهت استفاده مطلوب از ابزارهای غیرمستقیم پولی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت گرفت، اجازه افتتاح حساب سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی است که در اواخر سال ۱۳۷۷ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. هدف اصلی از اجرای این طرح، اعمال سیاست‌های پولی مناسب جهت کنترل و مهار نقدینگی از طریق جذب منابع مازاد بانکها بوده است. لازم به ذکر است که بانک مرکزی به سپرده ویژه بانکها نزد خود براساس ضوابط خاصی سود پرداخت می‌کند. (سوری، ۱۳۹۸: ۳)

سیاست‌های طرف تقاضا باید به گونه‌ای طراحی شوند که تخصیص مجدد و مطلوب منابع را تشویق و مورد حمایت سیاست‌هایی باشند که واکنش کافی و مناسبی در طرف عرضه اقتصاد داشته باشند. عملاً یک بسته از ابزارهای سیاست‌های گوناگون برای دستیابی به اهداف، مورد نیاز است. این بسته می‌تواند حاوی ابزارهای سیاست‌های مالی دولت و پولی و بازرگانی (ارزی) باشد و اغلب اوقات ممکن است تعدیل در نرخ بهره (سود) و نرخ ارز را باعث گردد. سرعتی که تغییرات در سطح و ساختار تقاضا رخ می‌دهند، به قیود خارجی و قیود داخلی بستگی خواهد داشت. در سمت عرضه اقتصاد، محدوده اصلی که می‌تواند به بهبود رشد کمک کند، عقلایی

ساختن قیمتها می‌باشد. حذف اختلالات هزینه‌ای یا قیمتی می‌تواند به تخصیص کاراتر منابع و کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری کمک کند. همچنین پس‌انداز کل و سرمایه‌گذاری کل را بالا می‌برد. باید توجه داشت که اختلالات هزینه‌ای یا قیمتی، اغلب با انگیزه اجتماعی یا سیاسی ایجاد شده و گسترش می‌یابند که حذف آنها تحت این شرایط، سخت می‌باشد. (کراکت، ۲۰۱۸)

۲-۳- شکاف طبقاتی

شکاف طبقاتی، در یکی از مباحث قدیمی اقتصاد سیاسی از اهمیتی اساسی برخوردار است. منظور این است که درآمد حاصل از تولید چگونه میان عوامل تولید تقسیم می‌گردد یا هر یک از بخش‌های اقتصادی چه میزان سهم می‌برند. توزیع نابرابر عوامل تولید طبعاً باعث توزیع نامناسب درآمد نیز خواهد شد. بنابراین باید قبل از تولید به منظور عادلانه کردن توزیع درآمد عوامل تولید به صورت عادلانه و برابر میان افراد و بنگاه‌های اقتصادی مختلف توزیع گردد. در دیدگاه اقتصاد هنجاری، مفهوم و اهداف توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. (لی، ۲۰۱۹: ۴۳)

بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که نابرابری توزیع درآمد به صورتی که شکاف عمده‌ای بین کم‌درآمدها و پردرآمدها در جامعه وجود داشته باشد، حداقل در کوتاه‌مدت مطلوب است. استدلال آنها نیز به‌طور خلاصه این است که، میل به پس‌انداز در قشر بالای جامعه (از نظر اقتصادی) بیش از میل به پس‌انداز در قشر پایین جامعه است. به این ترتیب، با توزیع متعادل‌تر درآمد سطح پس‌انداز کاهش و سطح مصرف در جامعه افزایش می‌یابد. به همین سبب، توزیع متعادل‌تر درآمد که مترادف با کاهش پس‌انداز و کاهش نرخ سرمایه‌گذاری است، کاهش نرخ رشد اقتصادی بلندمدت را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، اگر توزیع متعادل‌تر باعث تشدید نرخ رشد جمعیت نیز بشود، ممکن است در بلندمدت سطح زندگی در جامعه را تغییر دهد. برعکس، با توزیع نامتعادل درآمد، نرخ سرمایه‌گذاری افزایش یافته و نرخ رشد اقتصادی بلندمدت تضمین خواهد شد. بنابراین از نظرگاه تئوریک، این امر در بلندمدت می‌تواند موجب رفاه بیشتر قشر پایین جامعه شود. (ستاری، ۱۳۹۸: ۴۳)

در عمل، نظریه‌پردازان توسعه، شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه در کشورهای در حال توسعه را نه تنها به عنوان یک مزیت اقتصادی نمی‌دانند، بلکه آن را مانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی ذکر می‌کنند. همچنین اکثر علمای توسعه، در مورد نقش مثبت طبقه گسترده متوسط در یک جامعه تأکید دارند. آنها چنین اظهار می‌کنند که در اغلب کشورهای جهان سوم، ساختمان طبقاتی به شکل یک هرم نوک‌تیز و با قاعده بسیار پهن

است. یعنی درصد بسیار کمی از مردم بسیار ثروتمند و درصد بزرگی از مردم بسیار فقیر هستند و درصد طبقه متوسط نیز کوچک و کم اهمیت است. در چنین حالتی، کوچکی طبقه متوسط نشان دهنده آن است که طبقه فقیر نمی‌تواند امیدی به ترقی و پیشرفت داشته باشد. (کاظمی، ۱۳۹۸: ۳۲)

۲-۴- سیاست‌های اقتصادی دولت محمود احمدی نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

سیاست‌های عمده اقتصادی در این دوره عبارت بودند از:

- ۱- طرح سهام عدالت ۲- تغییر در ساختار سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۳- سهمیه بندی بنزین ۴- تغییر در بودجه ریزی سالانه ۵- سیاست‌های انبساطی مالی که بر اثر افزایش دارایی‌های بانک مرکزی تورم را افزایش داد ۶- طرح تحول اقتصادی. (بهرامی، ۱۳۹۸)

دوره محمود احمدی نژاد با افزایش شدید قیمت نفت همراه بود و به پشتوانه درآمدهای عظیم نفتی در بودجه ریزی سیاست انبساطی اجرا شد و علاوه به دلیل حضور درآمدهای نفت در ذخایر بانک مرکزی و در ادامه اجرای سیاست وام‌های زودبازده سبب انبساط شدید در بخش پولی شده و باعث افزایش شدید تقاضا در تمامی بخش‌های اقتصادی شد که این موضوع نیز به تورم شدیدی منجر شد. اما تعدیل سبد کالاهای مصرفی (کاهش سهم مسکن در سبد) باعث تعدیل تورم شد. بر اساس برآوردهای اولیه، اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۶ در مقایسه با سال قبل از رشد مناسبی برخوردار بوده است. محاسبات نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ از ۴۴۶۸۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ به رقم ۴۷۷۶۸۳ میلیارد ریال در سال ۸۶ افزایش یافته و به عبارت دیگر گویای ۹/۶ درصد رشد می‌باشد. همچنین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۸۵ معادل ۲/۶ درصد بوده است. در نتیجه در سال ۱۳۸۶ بخش واقعی اقتصاد از ۷/۰ درصد افزایش در نرخ رشد برخوردار بوده است. (حمیدی، ۱۳۹۸)

۲-۵- سیاست‌های اقتصادی دولت حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۳۹۶)

دیدگاه‌های اقتصادی حسن روحانی هفتمین رئیس‌جمهور ایران در بلند مدت توسعه اقتصادی و در کوتاه مدت افزایش قدرت خرید خانوارها، رشد تولید ملی، افزایش کافی سرمایه‌گذاری، اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و بهتر شدن فضای کسب‌وکار می‌باشد. (بهرامی، ۱۳۹۸)

در دوره دولت یازدهم روحانی نیز تورم در دو سال ابتدایی روند شیب فزاینده ملایمی داشته

است و سپس روند فوق به صورت شیب تند افزایش پیدا نمود و تورم به میزان ۲۹ درصد افزایش داشته است و تا سال ۱۳۹۶ روند فوق ادامه داشته و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در اسفندماه ۱۳۹۶ به عدد ۱۱۴,۷ رسید که نسبت به ماه قبل ۱,۱ درصد افزایش یافت. (محمدی، ۱۳۹۸) همچنین در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی بررسی معاملات بازار سهام به تفکیک بازار نشان می‌دهد در این مدت ۱۴۴ میلیارد و ۱۳۷ میلیون سهم به ارزش ۳۱۲ هزار و ۱۶۰ میلیارد ریال در ۶ میلیون و ۳۴۰ هزار و ۳۶۵ نوبت در بازار اول؛ ۱۰۶ میلیارد و ۴۷۱ میلیون سهم به ارزش ۲۲۶ هزار و ۹۱۵ میلیارد ریال در ۹ میلیون و ۱۰۴ هزار و ۲۷۴ نوبت در بازار دوم؛ ۸۳ میلیون سهم به ارزش ۸۳ هزار و ۴۳۳ میلیارد ریال در ۲۴ هزار و ۳۶ نوبت در بازار بدهی؛ ۱۰ میلیارد و ۳۶۸ میلیون سهم به ارزش ۵۹۸ میلیارد ریال در ۲۱۶۶ نوبت در بازار مشتقه و ۱۹۴۰ میلیون واحد از صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس تهران به ارزش ۲۰ هزار و ۱۴ میلیارد ریال در ۹۳ هزار و ۸۱ نوبت مورد معامله قرار گرفته است. (حضرتی، ۱۳۹۸) همچنین در دولت روحانی می‌توان بیان داشت در اردیبهشت ۱۳۹۶، میانگین نرخ برابری دلار آمریکا در برابر یورو تضعیف و در برابر ین ژاپن و یوان چین تقویت شد. میانگین نرخ برابری دلار آمریکا در برابر یورو در اردیبهشت ۱۳۹۶ به ۰,۹۱۳۹ رسید که نسبت به فروردین حدود ۲,۱ درصد کاهش نشان می‌دهد ارزش برابری دلار آمریکا در برابر یورو در اردیبهشت ماه روندی نوسانی و نزولی را طی کرد. آمار ضعیف از وضعیت اقتصادی آمریکا نظیر: کاهش رشد شاخص قیمت مصرفی، سفارشات کارخانه‌ای و شاخص ISM و احتمال به تعویق افتادن افزایش نرخ بهره در این کشور همچنین افزایش احتمال پیروز ماکرون در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه از مهمترین دلایل تضعیف ارزش دلار در برابر یورو در اردیبهشت ماه می‌باشند. (سوری، ۱۳۹۸)

۲-۶- پیشینه تحقیقات

کالی (۲۰۰۸) نشان داد که بین سطح شهرنشینی و توسعه اقتصادی رابطه غیر مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد. نتایج تحقیق کالی نیز گویای این است که دولت به منظور بهبود رفاه اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی بیشتر به مناطق شهری توجه دارد تا مناطق روستایی که عدم توسعه یافتگی مناطق روستایی در امر اقتصادی و کاهش مهاجرت نشان دهنده افزایش شکاف طبقاتی است. جورجیو (۲۰۰۶) و بیرد (۲۰۰۵)، داموری و پردانا (۲۰۰۳) و اریک و راتسو (۲۰۰۱) نشان دادند که اگرچه مالیات بر مصرف حجم زیادی از مالیات را تشکیل می‌دهد اما

مالیات بر ثروت، اثر توزیعی بیشتری دارد. بالیساکان و همکاران (۲۰۰۳)، به این نتیجه رسیدند که عواملی نظیر سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، زیر ساخت‌های اقتصادی، وضعیت تجارت محصولات کشاورزی و دسترسی به تکنولوژی تولید، زمینه را برای کاهش نابرابری درآمدی فراهم نموده و در جهت کاهش فقر عمل می‌نماید. چو و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که متغیر نرخ بیکاری، عاملی مهمی در جهت افزایش نابرابری در این کشورها است. پروین و زیدی (۱۳۸۰)، جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴)، صباحی و همکاران (۱۳۸۹) و جورجیو (۲۰۰۶) نیز نتایج مشابهی به دست آورده‌اند و در زمینه اثر مالیات بر توزیع درآمد، نتایج مطالعه پروین و زیدی (۱۳۸۰) و جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) را مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین جهت بررسی دقیق‌تر اثر مالیات بر توزیع درآمد، تاثیر انواع مالیات به تفکیک مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف اندازه‌گیری شد و مشخص گردید که متغیر مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد با یک وقفه، مالیات بر مصرف و مالیات بر مصرف با یک وقفه اثر معناداری بر ضریب جینی داشته است.

۳- روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی (نیمه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیلی علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی نیز می‌باشد. دوره زمانی تحقیق حاضر از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده است. جامعه آماری در این تحقیق کشور ایران در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۶ می‌باشد. داده‌های آماری، بر اساس آمار موجود در آمار نامه-های بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دوره مورد نظر برای هر یک از متغیر-های مربوطه است که به صورت هدفمند در دسترس تمامی داده‌ها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری، فیش برداری از منابع و گزارشات و استفاده از اینترنت و بانک‌های اطلاعاتی و آمارهای منتشره توسط بانک مرکزی است. در این پژوهش جهت برآورد مدل، از روش خودرگرسیون برداری در نرم افزار Eviews استفاده شده است. روش خود رگرسیون برداری یکی از روش‌های اقتصادسنجی است که توسط سیمز (۱۹۸۰) معرفی و مطرح گشته است. براساس ایده سیمز (۱۹۸۰) الگوی خود رگرسیون برداری از این ویژگی مطلوب برخوردار است که تمامی متغیرها را می‌توان به صورت درون‌زا در نظر گرفت. برخلاف مدل‌های همزمان در مدل‌های خودرگرسیون برداری دسته بندی متغیرهای مدل به صورت درون‌زا و برون‌زا مجاز نمی‌باشد. این مدلها عموماً تحت عنوان مدل‌های غیرتئوریک مطرح می‌شوند زیرا در

بهره‌گیری از آنها نباید به مبانی تئوریک متغیرها توجه نمود، در حالی که با ورود مباحث همجمعی یوهانسون این ایراد نیز مرتفع گردید. این مدل، خود رگرسیون برداری مدلی است که در آن هر متغیر بر روی مقادیر با وقفه خودش و مقادیر با وقفه کلیه متغیرهای مدل رگرس می‌گردد. از لحاظ علم ریاضی، مدل خود رگرسیون برداری این پژوهش را می‌توان به صورت ذیل تعریف نمود:

$$Y_t = C + \sum_{i=1}^p A_i \times y_{t-1} + \varepsilon_t$$

که در رابطه ریاضی بالا y_t = یک بردار $(n \times 1)$ متغیرهای درون زاء،
 C = یک بردار (1×6) عرض از مبدا خود رگرسیون برداری،
 A_i = یک ماتریس (6×6)

I^{th} = ماتریس ضرایب خود رگرسیو برای $i=1,2,\dots,p$

ε_t = جملات خطا می باشند $(\varepsilon_{1t}, \varepsilon_{2t}, \dots, \varepsilon_{6t})$

آزمون‌های مورد استفاده در تحقیق آزمون دیکی فولر تعمیم یافته، تعیین وقفه بهینه در مدل، آزمون همانباشتگی، توابع عکس العمل آنی و تجزیه واریانس می‌باشند.

۴- یافته‌ها

۴-۱- یافته‌های توصیفی

نتایج مقایسه دولتها نشان می‌دهد که در دولت یازدهم (۱۳۷۶-۱۳۸۴) تولید ناخالص داخلی از دولت‌های نهم و دهم بیشتر بوده است. نرخ سود بانکی در دولت نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲) بالاتر بوده است، تورم، دستمزد و نقدینگی در دولت نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲) بیشتر بوده است، نرخ بیکاری و مالیات‌های غیرمستقیم و مستقیم در دولت یازدهم (۱۳۹۲-۱۳۹۶) بالاتر بوده و بانکداری الکترونیکی و ضریب جینی در دولت یازدهم بالاتر بوده است که باتوجه به سیاست‌های مختلف بانکی و تحریم‌ها در دولت‌های مختلف نوسانات زیادی در اقتصاد کشور دیده می‌شود و ثبات اقتصادی کمتری مشاهده شده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مالیات‌های غیرمستقیم در دولت‌های یازدهم (۱۳۹۲-۱۳۹۶) و ضریب جینی در دولت یازدهم (۱۳۹۲-۱۳۹۶) نسبت به دولت‌های نهم و دهم بیشتر بوده است.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیرها

متغیرها	دولت‌ها	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
تولید ناخالص داخلی	نهم و دهم (1384-1392)	529.201	317.695	533.209	82.39
	یازدهم (1392-1396)	611.298	587.988	453.221	97.65
نرخ سود بانک‌ها	نهم و دهم (1384-1392)	21.33	2.76	44.87	6.70
	یازدهم (1392-1396)	18.66	1.98	32.54	7.88
تورم	نهم و دهم (1384-1392)	2366.98	2923.198	16754.45	178.90
	یازدهم (1392-1396)	18723.09	18792.22	43293.76	143.98
نقدینگی	نهم و دهم (1384-1392)	4133.44	17.655	433.21	16.54
	یازدهم (1392-1396)	2696.209	211.403	276.309	12.34
نرخ بیکاری	نهم و دهم (1384-1392)	4.9833	2.198	4.564	1.762
	یازدهم (1392-1396)	11.213	3.654	7.698	2.344
دستمزد	نهم و دهم (1384-1392)	297834.0833	2399713.081	650834.093	234.081
	یازدهم (1392-1396)	327665.498	4117654.54	3423765.76	231.098

مالیات‌های غیر مستقیم	نهم و دهم (1384-1392)	122.198	176.454	877.095	23.443
	یازدهم (1392-1396)	167.323	189.577	193.982	36.498
مالیات‌های مستقیم	نهم و دهم (1384-1392)	365876.545	354897.345	874536.083	124.6765
	یازدهم (1392-1396)	654665.453	378667.87	779894.09	155.465
بانکداری	نهم و دهم (1384-1392)	9873433.90	343756.55	9764545.0093	456.7877

الکترونیک	یازدهم (1392-1396)	5907343.9809	5654543.982	8734254.093	244.9873
ضریب جینی	نهم و دهم (1384-1392)	3.9981	2.3443	5.0934	0.5665
	یازدهم (1392-1396)	4.98723	0.5655	1.29834	0.41012

منبع (نگارنده)

۴-۲- آزمون نرمال بودن متغیرها

جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون جارك- برا استفاده شد. در این آزمون فرض صفر مبتنی بر نرمال بودن است که در صورت به دست آمدن احتمال بیشتر از ۵ درصد، فرض صفر با احتمال ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. آماره جارك- برا با داشتن توزیع خی دو با درجه آزادی دو، فرضیه‌های: H_0 : توزیع نرمال است و: H_1 : توزیع نرمال نیست را بررسی

کرده است. با توجه به این آماره فرضیه صفر برای تمامی متغیرها رد نشده و در نتیجه توزیع آنها نرمال است.

جدول ۲- آزمون نرمال بودن داده‌ها جاکر و برا

نتیجه	سطح معناداری	آماره	متغیرها
نرمال بودن	0.133	14.384	تولید ناخالص داخلی
نرمال بودن	0.165	15.434	نرخ سود بانک‌ها
نرمال بودن	0.276	17.433	تورم
نرمال بودن	0.188	21.455	نقدینگی
نرمال بودن	0.201	16.576	نرخ بیکاری
نرمال بودن	0.176	21.344	دستمزد
نرمال بودن	0.266	26.545	مالیات‌های غیر مستقیم
نرمال بودن	0.276	23.165	مالیات‌های مستقیم
نرمال بودن	0.433	11.972	بانکداری الکترونیکی

9

منبع (نگارنده)

۳-۴- نتایج آزمون واریانس ناهمسانی

آزمون بروش- پاگان به منظور آزمودن واریانس ناهمسانی در مدل‌های رگرسیون خطی استفاده می‌شود و وابستگی واریانس جملات پسماند بدست آمده از رگرسیون خطی را به مقادیر متغیرهای توضیح دهنده مدل، بررسی می‌کند. این آزمون از ساده‌ترین آزمون‌های مورد استفاده در این زمینه است و توسط بروش و پاگان در سال ۱۹۷۹ معرفی شده است. بررسی نتایج آزمون ناهمسانی واریانس مدل‌های رگرسیونی تحقیق نشان داد در سطح خطای ۵ درصد سطح معناداری مقدار آماره F آزمون بروش پاگان گاد فری کوچکتر از ۰/۰۵ و معنادار است و با توجه به اینکه مقادیر آماره F به دست آمده از مدل، از مقادیر مربوط به آماره جدول بزرگتر است؛ از اینرو، فرضیه H_0 مبنی بر همسانی واریانس جملات خطا رد شد؛ بنابراین مدل رگرسیونی تحقیق دارای ناهمسانی واریانس هستند.

جدول ۳- آزمون واریانس ناهمسانی بروس- پاگان

سطح معناداری	آماره	سال
0.000	33.54	1384
0.001	34.56	1386
0.000	27.80	1387
0.000	16.44	1388
0.000	18.90	1389
0.002	21.33	1390
0.000	22.76	1391
0.000	25.40	1392
0.000	21.77	1393
0.003	20.90	1394
0.000	23.47	1395
0.001	17.54	1396

منبع (نگارنده)

۴-۴- آزمون هم خطی

در آمار، عامل تورم واریانس شدت همخطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی ارزیابی می‌کند. در واقع یک شاخص معرفی می‌گردد که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت همخطی افزایش یافته است. شدت همخطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار VIF می‌توان تحلیل نمود. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک بود نشان دهنده عدم وجود همخطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگتر از ۵ باشد همخطی چندگانه بالا می‌باشد (توجه شود که در برخی موارد عدد ۱۰ نیز به عنوان آستانه معرفی می‌گردد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون همخطی عامل تورم واریانس در جدول ۴، مقدار آماره VIF به عدد ۱ نزدیک است، لذا فرض عدم همخطی عامل تورم واریانس تایید می‌شود. منبع (نگارنده)

جدول ۴- آزمون هم خطی

همخطی	انحراف	متغیرها
1.092	0.108	تولید ناخالص داخلی
1.232	0.433	نرخ سود بانک‌ها
1.545	0.2974	تورم
2.191	0.1872	نقدینگی
1.241	0.2182	نرخ بیکاری
1.298	0.2081	دستمزد
1.232	0.1982	مالیات‌های غیر مستقیم
1.982	0.2743	مالیات‌های مستقیم
1.201	0.28712	بانکداری الکترونیک
1.982	0.19821	ضریب جینی

۴-۵- آزمون F لیمر (چاو)

منظور انتخاب یکی از روش‌های داده‌های تابلویی یا داده‌های ترکیبی (مقطعی) از آماره F لیمر استفاده شده است. بدین ترتیب، به عنوان یک قاعده کلی، در صورتی که احتمال آماره F کمتر از ۵٪ باشد؛ فرضیه صفر رد و از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود و در غیر این صورت از روش داده‌های مقطعی بهره گرفته خواهد شد.

استفاده از روش داده‌های مقطعی مناسب است $H_0 =$

استفاده از روش داده‌های تابلویی مناسب است $H_1 =$

جدول ۵- آزمون F لیمر

نام آزمون	میزان آماره	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
F لیمر	1/817	10	0/000	استفاده از داده های تابلویی

منبع (نگارنده)

توجه به جدول فوق چون سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد می‌شود. بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی مناسب است.

۴-۶- آزمون هاسمن

بعد از آزمون لیمر، اگر فرضیه صفر رد شود؛ برای اینکه بتوانیم بین روش‌های اثرات ثابت و تصادفی از نظر قدرت توضیح دهنده متغیر وابسته مقایسه‌ای انجام دهیم؛ از این آزمون استفاده می‌شود. فرضهای آماری آزمون هاسمن به صورت زیر می‌باشد:

تخمین زن اثرات ثابت و تخمین زن اثرات تصادفی سازگار می‌باشند. (تفاوتی ندارند $H_0 =$)

وجود مدل اثر ثابت و رد مدل اثر تصادفی $H_1 =$

جدول ۶- آزمون هاسمن

جدول ۶- آزمون هاسمن

نام آزمون	میزان آماره	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
هاسمن	49.329	10	0/001	استفاده از مدل اثرات ثابت

منبع (نگارنده)

۴-۷- تعیین طول وقفه بهینه و ساختار مدل

تخمین مدل هم‌انباشتی یوهانسون- یوسیلیوس، مستلزم تخمین یک سیستم معادلات VAR است که در این بین، بدست آوردن طول وقفه بهینه، از مقدمات تخمین مدل می‌باشد. چرا که تعیین تعداد وقفه‌های مناسب در این الگو تضمین می‌کند که جملات خطای مربوط

به معادلات نوفه سفید باشد. برای تعیین طول وقفه بهینه، معیارهای متفاوتی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به معیار آکائیک (AIC)، شوارتز-بیزین (SC)، حنان-کوئین (FPE، HQ) و LR یا نسبت درست‌نمایی، اشاره کرد. در این مطالعه تمامی معیارها به جزء معیار شوارتز-بیزین (SC)، طول وقفه $p=2$ را به عنوان وقفه بهینه نشان دادند و در نتیجه $p=2$ به عنوان طول وقفه بهینه انتخاب گردید. برای بررسی ساختار مدل از نظر عرض از مبدا نیز از معیارهای آکائیک و شوارتز استفاده شده است. به این صورت که یک بار مدل، همراه با عرض از مبدا و بار دیگر بدون عرض از مبدا برآورد شده و مقادیر آکائیک و شوارتز با هم مقایسه گردیده که نتایج در جدول ۷ آمده است. همانطور که از جدول پابین پیداست، مدل همراه با عرض از مبدا دارای آماره‌ی آکائیک و شوارتز-بیزین کوچکتری نسبت به مدل بدون عرض از مبدا است. در نتیجه ر مدل همراه با عرض از مبدا انتخاب شد.

جدول ۷- نتایج آزمون‌های انتخاب مدل

جدول ۷- نتایج آزمون‌های انتخاب مدل

معیار	سیاست‌های مالی و پولی	
آکائیک	-5/974340	-6/262871
شوارتز-بیزین	-4/636918	-4/758272

منبع (نگارنده)

۴-۸- نتایج آزمون هم‌انباشتگی

بعد از تعیین طول وقفه بهینه و برآورد اولیه مدل VAR، به بررسی بردارهای هم‌انباشتگی می‌پردازیم. برای این منظور، از آزمون یوهانسن (۱۹۸۸) و یوهانسون و یوسیلیوس (۱۹۹۰) استفاده می‌شود. آزمون یوهانسون برای مشخص کردن رابطه هم‌انباشتگی از روش حداکثر درست‌نمایی استفاده می‌کند. درجه هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو را می‌توان با استفاده از روش یوهانسون و آزمون‌های آماره اثر و آزمون حداکثر درست‌نمایی تعیین کرد. نتایج این دو آزمون نشان داد که فرضیه صفر (نبود بردار هم‌انباشتگی)، در سطح معنی‌داری ۵٪ درصد رد می‌شود. این بدان معنی است که حداقل یک رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود دارد. نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی در جدول های ۸ آمده است.

جدول ۸- آزمون های هم انباشتگی در اقتصاد ایران

آزمون بیشینه مقدار ویژه				آزمون اثر		
مقدار بحرانی ۹۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه مخالف	فرضیه صفر	مقدار بحرانی ۹۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه مخالف
54/07904	63/16530	$r \geq 1$	$r = 1$	28/58808	33/88942	$r = 0$

35/19275	29/27588	$r \geq 2$	22/29962	15/66557	$r = 2$	$r \geq 1$
20/26184	13/61031	$r \geq 3$	15/89210	12/08200	$r = 3$	$r \geq 2$
9/164546	1/5283059	$r \geq 4$	164546	1/5283059	$r = 4$	$r \geq 3$

منبع (نگارنده)

۴-۹- نتایج آزمون علیت گرنجر

نتایج آزمون علیت کوتاه‌مدت در اقتصاد ایران نشان دهنده وجود رابطه علیت یک طرفه از سمت شاخص‌های سیاست‌های پولی و مالی به سوی شکاف طبقاتی است. از طرف دیگر شدت تجاری که شاخصی از باز بودن تجاری است، علت رشد اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین یک رابطه علیت از سوی شاخص نرخ سود بانک‌ها به شکاف طبقاتی به سمت حجم پول نیز وجود دارد. نتایج رابطه علیت بلندمدت نیز نشان می‌دهد که میان هر دو شاخص سیاست‌های پولی و مالی و فاصله طبقاتی رابطه علیت دوطرفه برقرار است. همچنین تولید ناخالص داخلی بر سیاست‌های پولی و مالی و فاصله طبقاتی اثرگذار است. لازم به ذکر است که اعداد داخل کروشه مقدار آماره t می‌باشد.

جدول ۹- نتایج آزمون علیت کوتاه مدت و بلند مدت در ایران

متغیر وابسته							متغیر توضیحی
تولید ناخالص داخلی	بانکداری الکترونیک	مالیات‌های مستقیم	مالیات‌های غیر مستقیم	دستمزد	نرخ بیکاری	نقدینگی	
3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	0/023677 (0/8777)	1/343691 (0/2464)	نرخ سود بانک‌ها 2/596035 (0/1071)
5/903549 (0/0151)	0/012530 (0/9109)	5/903549 (0/0151)	0/012530 (0/9109)	5/903549 (0/0151)	0/603820 (0/4371)	2/799588 (0/0943)	نرخ سود بانک‌ها 9/260785 (0/0023)
0/035270 (0/035270)	0/53080 (3/74761)	0/035270 (0/035270)	0/53080 (3/74761)	0/035270 (0/035270)	1/346259 (0/2459)	-	نقدینگی 12/33171 (0/0004)
3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	-	2/092242 (0/1480)	نرخ بیکاری 0/012530 (0/9109)
12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	-	-0/008346 (-0/29269)	0/047335 (2/63204)	دستمزد 0/035270 (0/035270)
3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	-	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	مالیات‌های 12/33171 (0/0004)

غیر مستقیم								
مالیات های مستقیم	5/903549 (0/0151)	0/012530 (0/9109)	5/903549 (0/0151)	0/012530 (0/9109)	5/903549 (0/0151)	3/597475 (0/0579)	-	12/33171 (0/0004)
بانکداری الکترونیک	0/035270 (0/035270)	0/035270 (0/035270)	0/035270 (0/035270)	0/035270 (0/035270)	0/035270 (0/035270)	5/903549 (0/0579)	3/597475 (0/0579)	1/343691 (0/2464)
تولید ناخالص داخلی	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)	0/035270 (0/035270)	5/903549 (0/0151)	3/597475 (0/0579)	12/33171 (0/0004)

منبع (نگارنده).

منبع (نگارنده)

۴-۱۰- تخمین تأثیرات سیاست های مالی بر شکاف طبقاتی در دولت‌های مختلف

جهت بررسی شکاف طبقاتی از ضریب جینی در کشور استفاده شده است که متغیرهایی چون دریافت مالیات‌های مستقیم، غیر مستقیم، تعیین دستمزد، نرخ سود بانکی، میزان نقدینگی، بانکداری الکترونیک و تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهایی هستند که دولت‌ها سیاست‌های خود را در قالب این متغیرها پیاده سازی می نمایند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان بیان داشت که در دولت‌های نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲) اغلب سیاست‌های مالی و پولی تدوین شده نشان می‌دهد که بر روی شکاف درآمدی که از طریق ضریب جینی اندازه گیری شده تأثیر معناداری داشته است ولی این تأثیر چندان زیاد نبوده و در برخی موارد مانند تورم، نقدینگی، نرخ بیکاری و نرخ سود بانک‌ها تأثیر منفی داشته است و این سیاست‌ها باعث افزایش تورم، نقدینگی و نرخ بیکاری و نرخ سود بانکی شده است و رشد اقتصادی نیز در بلند مدت چندان مطلوب نبوده است و شکاف طبقاتی در کشور همواره رو به افزایش است و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌های بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۶ نه تنها به کاهش شکاف‌های طبقاتی منجر نشده است بلکه تشدید نموده است که دلیل آن را می‌توان در افزایش میزان نقدینگی و نرخ تورم دانست و عدم وجود تعادل بین دستمزدها و نرخ تورم باعث افزایش شکاف طبقاتی شده است.

جدول ۱۰- تخمین تأثیرات سیاست‌های مالی بر شکاف طبقاتی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲

منعبرها	ضریب	آماره t	انحراف معیار	سطح احتمال
تولید ناخالص داخلی	0.566	2.266	0.144	0.001
نرخ سود بانک‌ها	-0.255	2.165	0.265	0.001

0.001	0.099	1.877	-0.611	تورم
0.001	0.122	2.411	-0.476	نقدینگی
0.001	0.311	1.344	-0.588	نرخ بیکاری
0.000	0.165	1.076	0.166	دستمزد
0.000	0.088	0.55	0.366	مالیات های غیر مستقیم
0.001	0.144	0.255	0.533	مالیات های مستقیم
0.001	0.211	0.265	0.366	بانکداری الکترونیکی
0.001	0.166	2.166	0.677	ضریب جینی

منبع (نگارنده).

منبع (نگارنده)

و از سوی دیگر نتایج تحقیق به روز باشند و تا پایان دولت نهم و دهم نباشند. با این توضیحات با توجه به جدول زیر می‌توان بیان داشت که سیاست‌های مالی و پولی بانکی در دولت یازدهم نیز همانند دولت قبلی تأثیر چندانی بر روی کاهش شکاف درآمدی نداشته است و این سیاست‌ها همچنان باعث افزایش تورم، نقدینگی، نرخ بیکاری و نرخ سود بانکی شده است.

جدول ۱۱- تخمین تأثیرات سیاست‌های مالی بر شکاف طبقاتی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۶

سطح احتمال	انحراف معیار	آماره t	ضریب	متغیرها
0.000	0.133	2.444	0.298	تولید ناخالص داخلی
0.004	0.409	2.091	-0.310	نرخ سود بانک‌ها
0.000	0.165	1.766	-0.452	تورم
0.002	0.309	2.309	-0.690	نقدینگی
0.005	0.198	1.982	-0.211	نرخ بیکاری
0.000	0.711	1.092	0.744	دستمزد
0.000	0.092	0.663	0.199	مالیات های غیر مستقیم
0.000	0.291	0.875	0.187	مالیات های مستقیم
0.002	0.198	0.983	0.342	بانکداری الکترونیکی
0.003	0.081	2.309	0.209	ضریب جینی

منبع (نگارنده).

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی بانک‌ها در دولت‌های پس از انقلاب بر تشدید شکاف طبقاتی بوده است. جهت اندازه‌گیری سیاست‌های اقتصادی بانک‌ها از متغیرهای تولید ناخالص طبیعی، تورم، نقدینگی استفاده شده است و جهت بررسی شکاف طبقاتی از متغیرهای مالیات‌های مستقیم، غیر مستقیم، دستمزد، نرخ بیکاری و ضریب جینی استفاده شده است. در خصوص دولت‌های نهم و دهم می‌توان بیان داشت که این دو دولت به یک

نقطه عطفی در سیاست ایران تبدیل شده است که با آزاد سازی قیمت‌ها و پرداخت یارانه تاثیر زیادی بر روی افزایش فاصله طبقاتی داشته است. از سوی دیگر کالاهای سرمایه‌ای نیز تحت تاثیر این آزاد سازی با افزایش قیمت بالایی مواجهه شده‌اند و فاصله طبقاتی را بین افراد افزایش داده است. درباره دولت یازدهم نیز می‌توان اینگونه گفت که سیاست‌های مالی و پولی بانکی آنها نیز همانند دو دولت قبلی تاثیر چندانی بر روی کاهش شکاف در امدی نداشته است. این سیاست‌ها همچنان باعث افزایش تورم، نقدینگی، نرخ بیکاری و نرخ سود بانکی شده است. بر این اساس، می‌توان بیان داشت این دو دولت نیز مانند دولت‌های قبلی عملکرد مطلوبی نداشته است. به طور کلی نتایج تحلیل در دولت‌های مختلف نشان داد که سیاست‌های دولت‌ها بر روند افزایش شکاف طبقاتی تاثیر گذار بوده است که دلیل اصلی آن عدم همخوانی نرخ تورم با افزایش درآمدها بوده است. از سوی دیگر، با افزایش نرخ بیکاری نیز دستمزدها کاهش یافته است که خود بر روند تشدید شکاف طبقاتی تاثیر گذاشته است. همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اعمال سیاست‌های تعیین مالیات‌های مستقیم، غیر مستقیم بر طبقه ثروتمند تاثیر چندانی بر کاهش شکاف طبقاتی نداشته است.

بنابراین به نظر می‌رسد این سیاست‌ها به درستی اجرا نشده‌اند و یا میزان مالیات‌های تعیین شده تاثیر چندانی بر توزیع درآمد و ضریب جینی نداشته است. همچنین با افزایش نقدینگی در جامعه نرخ تورم نیز افزایش یافته است و در نهایت شکاف طبقاتی در تمامی دولت‌ها زیاد بوده است. به نظر می‌رسد که اقتصاد کشور چندان موفق عمل ننموده و بیشتر تابع متغیرهای سیاسی است تا متغیر سیاست‌هایی که دولت‌ها تعیین می‌نمایند. لذا به نظر می‌رسد روند کنونی ادامه خواهد یافت و همچنان شکاف طبقاتی در سال‌های آینده افزایش یابد. تا زمانی که سیاست‌های اقتصادی به طور کامل پیاده نشود نمی‌توان انتظار چندانی از بهبود شکاف طبقاتی داشت. در خصوص مقایسه نتایج با سایر تحقیقات می‌توان بیان داشت که هوها (۲۰۱۰) نشان می‌دهد ساختار نامناسب اقتصادی و سیاست‌های نادرست باعث افزایش شکاف طبقاتی خواهد شد که در این تحقیق نیز مشخص شد سیاست‌های اشتباه اقتصادی در حوزه تعیین مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم و از سوی دیگر افزایش نقدینگی باعث افزایش تورم شده و بر شکاف طبقاتی تاثیرگذار خواهد بود و با نتایج این تحقیق همسو است. کاریا (۲۰۰۹) در مطالعه خود نشان داد که افزایش مالیات بر دستمزد نیروی کار به همراه اعمال سیاست‌های پولی در جهت کاهش تورم، رفاه تهیدستان را بیشتر از ثروتمندان افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش

کاریا با نتایج تحقیق حاضر یعنی همسو است که دریافتیم اعمال سیاست‌های پولی نادرست باعث افزایش شکاف طبقاتی در جامعه شده است.

کالی (۲۰۰۸) نشان داد که بین سطح شهرنشینی و توسعه اقتصادی رابطه غیر مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد. نتایج تحقیق کالی نیز گویای این است که دولت به منظور بهبود رفاه اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی بیشتر به مناطق شهری توجه دارد تا مناطق روستایی که با نتایج تحقیق حاضر همسو است که عدم توسعه یافتگی مناطق روستایی در امر اقتصادی و کاهش مهاجرت نشان دهنده افزایش شکاف طبقاتی است. جورجیو (۲۰۰۶) و بیرد (۲۰۰۵)، داموری و پردانا (۲۰۰۳) و اریک و راتسو (۲۰۰۱) نشان دادند که اگرچه مالیات بر مصرف حجم زیادی از مالیات را تشکیل می‌دهد اما مالیات بر ثروت، اثر توزیعی بیشتری دارد. بر این مبنا، نتایج آنها با نتایج تحقیق حاضر همسو است که بر اساس آن افزایش دریافت مالیات از ثروتمندان می‌تواند باعث کاهش فاصله طبقاتی گردد. پروین و زیدی (۱۳۸۰)، جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴)، صباحی و همکاران (۱۳۸۹) و جورجیو (۲۰۰۶) نیز نتایج مشابهی به دست آورده‌اند و در زمینه اثر مالیات بر توزیع درآمد، نتایج مطالعه پروین و زیدی (۱۳۸۰) و جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) را مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین جهت بررسی دقیق‌تر اثر مالیات بر توزیع درآمد، تاثیر انواع مالیات به تفکیک مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف اندازه‌گیری شد و مشخص گردید که متغیر مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد با یک وقفه، مالیات بر مصرف و مالیات بر مصرف با یک وقفه اثر معناداری بر ضریب جینی داشته است. به طور کلی، بر اساس نتایج حاصل از پژوهش انتظار می‌رود که با تکیه بر مطالعات گسترده در زمینه تفکیک انواع مالیات و تاثیر متفاوت آنها بر بهبود وضعیت توزیع درآمد جامعه این امکان بوجود آید که با اصلاح نظام مالیاتی و وسعت بخشیدن به پایه‌های مالیاتی بتوانیم شاهد ارتقاء سطح کارآمدی در این بخش از سیاست مالی با هدف بهبودی توزیع درآمد کشور باشیم. بدیهی است که جهت قرارگیری در راستای اهداف نظام اقتصادی نیز لازم است تا در شرایط رکودی، از یک طرف با استفاده از اهرم کاهش بار مالیاتی بر روی بخش‌های تولیدی که به طور طبیعی دچار مشکل بوده و با کاهش شدید سودآوری همراه هستند، در جهت توسعه سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید گام برداریم و از طرف دیگر با تاکید بیشتر بر روی مالیات بر مجموع درآمد به عنوان پایه اصلی نظام مالیاتی در کنار پایه مالیاتی مصرف، اجرای سیاست‌های توزیع درآمد، کاهش فقر و مبارزه با قاچاق و فساد را امکان‌پذیر سازیم.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهای کاربردی زیر قابل ارائه هستند:

۱- از آنجا که مالیات‌های غیرمستقیم (مالیات بر واردات و مالیات بر کالا) بیشتر بر نوع انتخاب و نوع مصرف تاثیر می‌گذارد و کمتر منجر به کاهش مصرف می‌شود این نوع مالیات بیشتر بر کالاهای لوکس که مورد مصرف گروه‌های پردرآمد است، وضع می‌شود و نه بر کالاهای اساسی؛ لذا می‌توان از منافع حاصل از آن جهت بهبود الگوی توزیع درآمد به نفع گروه‌های کم‌درآمد استفاده کرد. لذا شوک مالیات‌های غیرمستقیم نیز موجب کاهش ضریب جینی و بهبود توزیع درآمد می‌شود.

۲- شوک مثبت مالیات‌های مستقیم ضریب جینی را کاهش می‌دهد. مالیات بر درآمد امکان بیشتری برای توزیع مجدد دارد، زیرا افراد با درآمدهای بالاتر باید مالیات بیشتری پرداخت کنند. همچنین افرادی که ثروت بیشتری دارند، با بالا رفتن نرخ‌های مالیات بخش بیشتری از ثروت و سرمایه آنها در فرآیند تولید جامعه قرار می‌گیرد و با رشد اقتصادی منافع حاصل از آن در جامعه توزیع خواهد شد. نیز مالیات بر سود شرکت‌ها، اگر شرکت‌ها فرصت فرار مالیاتی و انتقال آن به مصرف‌کننده را نداشته باشند، با توزیع مجدد آن در دهک‌های پایین‌تر درآمدی، می‌تواند منجر به بهبود وضع معیشتی گروه‌های هدف شود. لذا نوع مالیات‌ها اثرات توزیعی بهتری دارند و در کاهش نابرابری موثرند.

۳- مخارج جاری دولت به طور مستقیم اثری بر قدرت تولید جامعه ندارد؛ بلکه صرفاً برای عده‌ای درآمد ایجاد کرده و و امکان بهره‌مند شدن اقشار کم‌درآمد را فراهم نمی‌کند. شوک مخارج عمرانی دولت موجب بهبود پایدار توزیع درآمد می‌شود. افزایش مخارج عمرانی دولت با ایجاد فرصت‌های تولیدی و اشتغال و با افزایش درآمد افراد و نیز بهبود دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی باعث افزایش برابری درآمدی می‌شود.

همچنین محققان می‌تواند با سایر الگوها نظیر: الگوی VAR خطی و آستانه‌ای به تحلیل داده‌ها پرداخته و یا از آنجایی که در این تحقیق بررسی‌ها به صورت دوره‌ای بوده است که هر دوره برای دولت‌های مختلف در نظر گرفته شده است، پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات بعدی به صورت سالیانه بررسی شود و غیر قابل تعمیم دادن نتایج به خارج از بازه زمانی و به رغم وجود تورم شدید در اقتصاد ایران، اعداد و ارقام استفاده شده در این پژوهش، بر اساس شاخص تورم تعدیل نشده است از مهمترین محدودیت‌های تحقیق هستند.

منابع فارسی

کتاب

- حیدری، ابوالفضل (۱۳۹۸). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- جلالی، احمد (۱۳۹۸)، خصوصی سازی مردمی؛ کارایی همراه با عدالت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- غلامی، محمود (۱۳۹۸)، اقتصاد خرد و کلان، تهران، انتشارات نی
- کاظمی، محمد (۱۳۹۸)، رفاه اقتصادی، سمت، تهران
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران

مقالات

- احمد صباحی، زهرا دهقان شبانی و روح الله شهنازی (۱۳۸۹)، تاثیر بهره‌وری نیروی کار بر توزیع درآمد؛ مطالعه موردی در کشورهای منتخب، مجله دانش و توسعه، شماره ۳۱
- اسماعیل عرب مازار، آرش خوشکار، (۱۳۹۴)، اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران (مطالعه بین استانی)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷
- بهرامی، الهام (۱۳۹۸)، بررسی همگرایی رفاه اجتماعی استان‌های ایران با استفاده از تکنیک غیرخطی استار فضایی، مجله نظریه‌های کاربری اقتصاد، ۴(۲)
- حیدری، محمد (۱۳۹۷)، مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۴)
- سهیلا پروین، ایلناز ابراهیمی و اعظم احمدیان (۱۳۹۳)، تحلیلی بر تاثیر شوک‌های ترازنامه-ای نظام بانکی بر تولید و تورم اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره پنجاه و هفت
- سوری، رضا (۱۳۹۸)، محاسبه نرخ‌های بهینه مالیات بر درآمد مشاغل و شرکت‌ها، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۶
- ستاری، رضا (۱۳۹۸)، رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی شهر تهران، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۵)
- علی رضا جرجرزاده، علیرضا اقبالی (۱۳۸۴)، بررسی اثردرآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷
- کاظمی، خلیل (۱۳۹۸)، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین،

تهران

- محمدی، اکبر (۱۳۹۸)، آزادسازی نرخ سود و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۳۵
- نوری، باقر (۱۳۹۸)، بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای رفاه در استان‌های ایران مطالعه مقایسه‌ای رفاه مبتنی بر دیدگاه هاروی و اسمیت، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵ (۱۷)

English References

Articles

- Bird, J. (2005), **Effects of Fiscal Stimulus in Structural Models**, IMF Working Paper, WP/10/73
- Cho, F., Jappelli, T., and Pagano, M. (2000), **Searching for Non-linear Effects of Fiscal Policy**: Evidence from Industrial and Developing Countries, *European Economic Review*, Vol.44
- Damory, G. J. M'Peradona, J (2003), **Debt Consolidation and Fiscal Stabilization of Deep Recessions**, *American Economic Review*, Vol.100, No. 2
- Erik, H., A. Ratso, M (2001), **Can Severe Fiscal Contractions be Expansionary?**, Comment in Blanchard O.J. and S. Fischer (eds.): *NBER Macroeconomics Annual*, MIT Press: Cambridge, MA
- Lee, Isabel, H. (2019), **Inflation and inequality. Banco Portugal**, Economics and Research Department
- Keraket, C. (2018), **Urban-rural income disparity and urbanization: what is the role of spatial distribution of ethnic groups?** A case study of Xinjiang Uygur autonomous region in western China. Life and Environmental Sciences Institute, China: Xinjiang Normal University
- Georgiou Miltiades, N. (2006), **Income distribution and inflation**, an empirical analysis for Western Europe (1995-2006). Sterling University
- Jorjio, R. (2006), **An Empirical Characterization of the Dynamic** 13, Effects of Changes in Government Spending and Taxes on Output, *Quarterly Journal of Economics*, Vol.117, No. 4
- Kally Gerrit (2008), **The impact of fiscal policy on economic activity over the business cycle - evidence from a threshold VAR analysis**, Discussion Paper Series 1: Economic Studies No 03/2011
- Wendy Balaskan, Martin Eichenbaum, and Jonas D.M. Fisher (2003), **Understanding the Effects of a Shock to Government Purchases**, *Review of Economics Dynamics*, Vol.2, No.1